



توحید استدلالی و فطری

۳۱ - ألم تر ان الفلك تجرى في البحر بنعمت الله

ليريكمن آياته ان في ذلك لآيات لكل صبار شكور .

آیا نمی بینی که کشتی در (پرتو) نعمت خدا (باد) در دریا میگردد تا (خدا) دلائل توحید خود را بشما نشان دهد ، در این باره برای هر فرد صبور و بردبار (که آماده است رنج مطالعه را تحمل کند) و شاکر و سپاسگزار (که در برابر حق خوشبین باشد) نشانه های زیادیست .

۳۲ - واذا غشيهم موج كالتلل دعوا الله مخلصين له

الدين فلما نجاهم الى البر فمنهم مقتصد وما يجحد

بآياتنا الا كل ختار كفور .

هنگامیکه موجها مانند کوهها آنان را فرا میگیرد ، همگی خدا را بیگانگی و اخلاص میخوانند وقتی خدا آنها را بسوی خشکی برد و نجات داد ، دسته ای (از ماجرا عبرت گرفته) معتدلند ، و دلائل توحید ما را جز پیمان شکنان (که پیمان فطرت را شکسته اند) کفران کننده ، کسی انکار نمیکند .

هدف این دو آیه بیان دوسنخ از توحید است : یکی توحید استدلالی دیگری توحید فطری ، توحید استدلالی مبنی بر قانون علت و معلولست که از وجود نظم و ترتیب در جهان آفرینش به ثبوت میرسد که صانع و سازنده ای این نقشه را ریخته و کاخ رفیع عالم خلقت را بر اساس

نقشه و تدبیر نهاده است. زیرا هر موجود منظمی سازنده عاقلی و پدید آورنده مدبری دارد، و تصادف کور و کر و پابتهای چوین نمیتواند موجود منظمی را بوجود آورد.

توحید فطری بر اساس حذف برهان استدلال عقلی است. باین معنی که در این قسمت از توحید کوچکترین توجه به موضوع علت و معلول، آفریدگار و آفریده شده نیست، بلکه یک جذبۀ باطنی و کشش درونی است که در حالات و اوضاع مخصوصی به انسان دست میدهد و این قسمت نوعاً در شائد و مصائب بیشتر رخ میدهد. در این آیهها هر دو سنخ از توحید بیان شده است اینک بیان توحید استدلالی از مشاهده نظم در گردش کشتیها در دریاها.

نشانه‌ی توحید در گردش کشتی روی دریاها.

کشتیهای بادبانی بزرگی که کالاهای بازرگانی و یا ذخائر زیرزمینی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر حمل میکنند بزرگترین و کم خرج‌ترین وسیله نقلیه است که تا کنون بشر به آن دست یافته است.

وزش باد بر روی آبهای اقیانوسها بقدری منظم است که اگر شدت یا بد باعث پیدایش طوفانها میگردد و اگر کاهش پیدا کند، باعث رکود و تعطیل حرکت کشتی میشود عوامل مختلفی از نظم و ترتیب دست بدست هم داده تا این سیاحت را برای بشر بصورت یک امر دلپذیر و ممکن در آورده است که ما بسه عامل از آنها اشاره میکنیم:

۱ - معظم قطعات کشتی از چوب و تخته است، و وزن مخصوص آن طوری است که با آنهمه سنگینی با زروی آبها قرار گرفته و در آب فرو نمرود.

۲ - آبهای دریاها معمولاً گرفتار تلون حرارتهای گوناگون زمین است، ولی آفرینش آب طوریست که در حرارت و فشار معمولی بحالت بخار در نیاید بلکه در درجات زیادی از حرارت؛ هنوز بصورت مایع است و در مراتب خیلی بالاتر بخار میشود، و اگر این ماده حیاتی در برابر تغییر حرارت زمین تا این حد استقامت نداشت زندگی برای بشر یک امر غیر ممکن و کشتیرانی در نقاط زیادی بصورت امر محالی در میآمد.

مثلاً آمونیاک که وزن مولکولی آن (۱۷) است در ۳۳ درجه سانتی گراد زیر صفر در حال بخار است « هیدروژن سولفوریک » که وزن مولکولی آن (۳۴) است در پائین تر از ۵۹ درجه سانتی گراد زیر صفر هنوز بخار است، ولی آب که وزن مولکولی آن (۱۸) است، هنوز در قسمتهائی از حرارت فوق صفر باز بصورت مایع است.

اینجاست که انسان انگشت حیرت بدنندان گرفته و بی اختیار از مشاهده این نظم در برابر صانع مدبر این جهان سر تعظیم فرود آورده و بادل لبریز از ایمان و اعتقاد بوجود خدای واحد

متوجه میگردد .

۳ - **وزشهای منظم باد روی اقیانوسها** . این رشته از بادها بسان دایههای مهربان و مادران علاقمند مصنوع بحری بشر را در آغوش گرفته، و آنرا به مقصد میرساند . گویا جز این مأموریتی نداشته است .

باد مظهر لطف و خشم است

محیط زمین مارا موجود لطیفی بنام هوا که از گازهای گوناگونی تشکیل یافته فرا گرفته است ، که از توج و حرکت آن باد تولید میگردد .

این وجود نامرئی گاهی مظهر لطف و عاطفه است ، گاهی عامل خشم و غضب ؛ این همان باد رحمت است که قرنهای به بشر در سفرهای دریائی خدمت کرده و با آغوش پر محبت مراکب عظیم او را از دورترین نقطه بیدریغ و رایگان به مقصد رسانیده است .

این همان مظهر رحم و فضل الهی است که ابرهای پراز باران را از اقیانوسها حرکت داده و بفلاتها ، وقاره های دور از آب روانه ساخته و پس از چندی مناظر مصفا ، کشتزارهای سرسبز و باغهای پطر اوت بوجود میآورد . (سوره روم آیهای ۴۸ - ۵۰) .

ولی خدای نکند که این موجود نامرئی عامل خشم و غضب گردد طوفانی برپا میکند، که شهرها و درختها و سنگهارا از جای کنده و بدریا میریزد، و بر هیچ موجودی ترحم نمیکند . خدا نکند که در باطوفانی گردد ، و بادهای خشمگین بر روی اقیانوسها بوزد ؛ آبهای دریا را بارتفاع صدمتر بالا برده و امواج کوه پیکری که هر مصنوع و موجودی در برابرش قرار گیرد ، درهم میشکند بوجود میآورد . (۱)

اکنون شما تماشا گر این صحنه درد ریاها و اوقیانوسها هستی، آیا این نظم و ترتیب که یک هزارم آن در اینجا گفته نشد ، شما را بوجود یک ناظم ، هدایت و رهبری نمینماید؟ چطور یک نظم جزئی در یک موجود جزئی مارا بسازنده آن هدایت میکند ، و هرگز تصور نمیکنیم که خود بخود بوجود آمده و این نظم را پذیرفته است ، ولی این نظم در سر تا سر اقیانوسها از جهاتی که در فوق تشریح شد ، مارا بصانع آن هدایت نمی نماید ؟

(۱) قرآن گوشه ای از خشم و غضب با دراکه در حقیقت مظهر خشم الهی است درباره قوم عاد چنین بیان میکند : **اِنَّا ارسلنا علیهم ریحاً صرّافی یوم نحسٍ مستمرٍ تنزِع**
الناس کانهم اعجاز نخلٍ منقعرٍ . (سوره قمر ۱۹ - ۲۰) یعنی مادر روزشومی باد شدیدی

بسوی قوم عاد فرستادیم که مردم را مانند ریشه نخلهای کنده ، از جای میکند .

توحید فطری

نقطه اشتباه دانشمندان درباره توحید فطری اینست که آنرا با توحید استدلالی مخلوط کرده اند: از آنجا که مسأله نیازمندی هر معلولی را به علت خود يك امر فطری تصور کرده اند از این نظر گفته اند اعتقاد بوجود صانع از ناحیه هدایت معلول به علت، توحید فطریست.

در صورتی که مسأله هدایت معلول بوجود علت يك مسأله نظری قریب به ضروری است که بشر در طول زندگی از حوادث گوناگونی پی‌چین قانون کلی برده است، و هرگز يك امر فطری نیست. و امور فطری هرگز بر اساس تجربه و آزمایش و برهان و استدلال استوار نیست بلکه توحید فطری ندای فطرت و توجه قهری باطن هر فردی بسوی آفریدگار یکتا است.

گواه ما بر فطری بودن اعتقاد بوجود صانع همان توجه جدی بشر در طول حیات خود به صانع جهان است، بشر در تمام ادوار زندگی همواره به نقطه‌ای متوجه بوده، و معبودی را اعم از حق و باطل می‌پرستید، و يك چنین امر ممتد ناچار بایست ریشه فطری داشته باشد، و الا تا این حد پایدار نمی‌ماند.

مظاهر این فطرت همان مواقعی است که با مشکلات لاینحل روبرو شده و تمام اسباب ظاهری از کار بیافتند، علل و معلولات مادی نتوانند مشکل او را بگشایند در چنین وضع بطور خودکار، بصانع و پدیدآورنده جهان متوجه شده و یا بعبارت دیگر نیروی فطرت او را بیک نقطه مبهم و نامعلوم سوق داده و در انتظار کمک از آن نقطه می‌گردد.

بهترین تشبیه برای مجسم ساختن توحید فطری همان حالات مثلون کودک است، او نخستین روزهای تولد، که مفهوم گرسنگی و تشنگی را نمی‌داند و از وجود شیر و پستان که درد او را درمان میکند آگاهی ندارد، ولی مرتب با گریه‌های ممتد، و جیغ‌های پی‌پی، دنبال گمشده است که هر وقت بآن میرسد، فوراً آرام و قرار میگیرد.

مواقعی که انسان در کشتی نشسته، و در لب‌پرتگاه قرار میگیرد، امواج آب، کشتی را بسان پرتگاه از این سو بآنسو پرتاب میکند. او در خود پس از یأس و نومیدی يك کشش باطنی در می‌یابد که او را بیک نقطه‌ای سوق میدهد که انتظار دارد آن نقطه گره‌ازکار او باز کند.

ممکن است این مردیک فرد مادی و ملحد باشد ولی در این حالت او نیز بسان دیگران يك حالت انتظار و توجه خاصی بیک نقطه مبهم و نامعلومی پیدا میکند، و شاید خود او نیز نداند متوجه کجاست، و در انتظار چه کسی است ولی کشش باطنی و توجه خود را درمی‌یابد.

البته توجه انسان در مواقع مشکلات مظهر این فطرت است و الا برهان فطری بودن خدا - پرستی همان اعتقاد راسخی است که بشر در طی ادوار زیاد بخدا داشته است.